

# نقشه لیبرال‌ها غرق در ورطه خصوصی سازی

نوشته سرج هالیمی  
(عضو هیئت تحریریه لوموند دیپلماتیک)  
ترجمه: مرمر کبیر

کشورهای دیگر می‌کنند؛ به این ترتیب هزینه بیمه رانمی‌پردازند. در ۱۹۴۴ اقتصاددان اتریشی، فردریش هایک، وحشت خود را از "ورطه جمع‌گرایی"، با عنوان "جاده بردگی" ابراز کرد، مسیری که به پندار او مسئولیت‌پذیری فردی را فدای امنیت اجتماعی می‌کند.

اما امروز اگر ورطه‌ای وجود داشته باشد، ورطه بازار است. امروز همه چیز در جهت خلاف مسیر مورد نظر هایک در حال چرخش است.

این چه عاملی است که موجب تحمیل رقابت به شرکت‌های دولتی و خصوصی سازی آن‌ها می‌شود، دفاتر بی‌شمار پست و ایستگاه‌های راه‌آهن را تعطیل می‌کند به مجانی بودن بهداشت عمومی و آموزش و پرورش اعتراض می‌کند، ادارات دولتی را محل رقابت کارمندان تبدیل کرده است و آن‌ها را به بیکاری تهدید می‌کند! همه اینها تقریباً بدون بحث و گفت‌وگو، فقط با عبور از دالان‌های "اصلاحات" وقوع می‌یابد: به محض اینکه از آستانه دری بگذری، آن در پشت سرت بسته و قفل می‌شود و سپس به طرف در دیگری هدایت می‌شوی که آهسته باز می‌شود آنگاه، همچون تصنیف عامیانه "بنزین کافی نداریم، نمی‌شه دنده عقب رفت، پس حرکت کن برو جلو..."

"راه دیگری وجود ندارد" این جمله با چماق بر سر شهروندان کوفته می‌شود، همه چیز محتوم است. سعی دارند انگیزه مقاومت را ریشه کن کنند و از تکنیک شناخته شده زمین سوخته استفاده کنند. مقصد نهایی در آخر مسیر روشن می‌شود. در پایان، متوجه دگرگونی اساسی می‌توان شد. جهشی عظیم به عقب که در حرکتی زنجیروار و مرحله‌ای به وقوع پیوسته است. مرزها را بگشاییم زیرا، حامی منافع ملی نیستیم. خصوصی سازی می‌کنیم تا مرزها را بگشاییم. مشاغل و کارهای دولتی را قربانی می‌کنیم، چون باید خصوصی سازی کنیم. "مبادله آزاد"، "ظرفیت حداکثر"، "قرارداد"، "رقابت"، "آرزو آفرینی"، همه اینها، مصالح لازم برای ساختن دژی است که معمارانش از پیش آن را طراحی کرده‌اند.

**آقای سلیر، ارباب صاحبکاران فرانسه، توابعخشی را نمی‌پذیرد**

نقشه روش لیبرالی از شیوه "عملی" و "منطقی" استفاده می‌کند، برای رفع کسری بودجه باید خصوصی کرد. برای فروش شرکت‌های دولتی به قیمت مناسب باید سرمایه‌گذاران خارجی را جذب کرد. برای جذب سرمایه

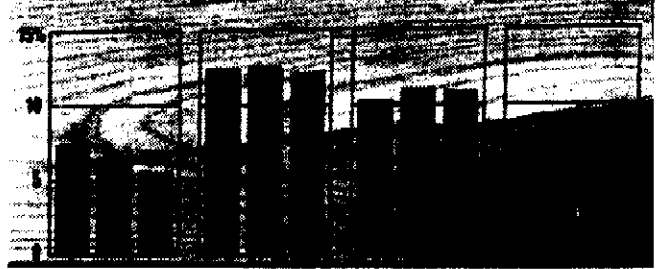
همه نظام‌های دولتی به‌طور همزمان متلاشی می‌شوند. مطابق جدیدترین تحقیقات موسسه مالی استاندارد و پوورز تا ۲۰۵۰، قرض‌های دولتی آلمان، فرانسه، پرتغال، یونان، لهستان و چک به ۲۰۰ درصد تولید ناخالص ملی خواهد رسید. باید توجه داشت که میزان مجاز، مطابق معاهده ثبات اروپا، فقط ۶۰ درصد است.

در ژاپن قرض‌های دولتی به بیش از ۷۰۰ درصد تولید ناخالص ملی خواهد رسید. موسسه مالی یاد شده این موضوع را چنین توضیح می‌دهد: هزینه بالای بازنشستگی، نرخ کم بازتولید، تعداد زیاد سالمندان و سن بالای آن‌ها. آینده درخشانی به تصویر کشیده می‌شود: "تقریباً همه کشورها در ۲۵ سال آینده دچار از هم پاشیدگی نظام مالیاتی خواهند شد".<sup>۱</sup> بعضی لیبرال‌های آلمان می‌گویند: توضیح دادن آنچه که قرار است وقوع یابد (چنانچه تغییر سیاست ندهیم)، نه فقط مشروع بلکه ضروری است. مطابق نظر آن‌ها توجه به سناریوهای فاجعه‌آمیز برای آینده، می‌تواند به یافتن شیوه‌های درست، ما را یاری رساند و انجام اصلاحات سخت را تسهیل کند.<sup>۲</sup>

این همان شیوه‌ای است که فیلیپه دوست بلازی (وزیر بهداشتی فرانسه) به کار می‌برد: "با ۲۳ هزار یورو کسری بودجه در هر دقیقه، هرگز به جایی نمی‌رسیم و ما ورشکسته‌ایم. اگر اقدامی نکنیم از سیستم بیمه‌های اجتماعی اثری باقی نخواهد ماند."<sup>۳</sup>

مسلم است باید تدبیری اندیشید. انستیتو مونتینی که کلود ببار، رئیس هیئت مدیره یکی از شرکت‌های بزرگ بیمه فرانسه بنام آکسا (AXA) مدیر آن است راهکارهایی برای بیمه اجتماعی ارائه می‌دهد. برای مثال، ایجاد "پوشش درمانی همبسته" که قادر است بیماران را مسئولیت‌پذیر سازد و در موقع لزوم هزینه‌ها را محدود کند، به زعم او "برخی تصادفات رانندگی یا حوادث ناشی از ورزش، بیشتر در چارچوب بیمه شخصی هستند و باید از پوشش بیمه درمانی خارج شوند." او همچنین پیشنهاد می‌کند "باید مکانیزم‌هایی بکار برد که بودجه درمانی سالانه خانوادگی را معین کند که فقط در شرایط ویژه، آن هم به شرط انجام پیشگیری‌های لازم برای جلوگیری از ابتلا به بیمارها بتوان میزان آن را افزایش داد."<sup>۴</sup>

در ایالات متحد آمریکا، بهشت نظام درمانی آقای ببار، پوشش درمانی کم و کمتر شده است و مزدبگیران را در تنگنا قرار داده است. کارفرمایان به بهانه میزان بسیار مخارج درمان، مزدبگیران را تهدید به انتقال کارخانه به



خارجی لازم است دستمزدها و هزینه‌های کارفرما را کاهش داد. در چنین دنیای رقابتی، پوشش اجتماعی پرخرج است.

گسترش بیکاری و انجام کارهای بی آینده و کاذب و سندی‌کاردایی صدای اعتراضات را کم می‌کند، به خصوص در میان آن‌ها که هنوز شاغلند و پوشش اجتماعی دارند. آن‌ها با سکوشتان از سویی ثابت می‌کنند "روحیه مسئولیت‌پذیری دارند" و از سوی دیگر، نشان می‌دهند که نمی‌توانند مدت زیادی بپذیرند که بیکاران حقوق بیکاری معادل حقوق آن‌ها دریافت کنند و کار نکنند. باید کنترل‌ها بیشتر شود. <sup>۵</sup> حقوق بیکاران کم شود و از فرهنگ "صدقه‌گیری خارج شوند، به قول ارنست آنتوان سلیر، رئیس سندیکای کارفرماهای فرانسه مدف (MEDEF): "امروز نمی‌توان مسایل را با دیدگاه توانبخشی حل کرد."<sup>۶</sup>

البته لیبرال‌ها به بهداشت عمومی بی‌علاقه نیستند، در این ارتباط مانند آموزش و پرورش "رشد منطقی" سیستم دولتی و رایگان به سمت سیستم‌های خصوصی که شرکت‌های بیمه یا وام‌های بانکی هزینه آن را تأمین می‌کنند، به زعم آن‌ها ضرورت دارد، سیستم‌های مرکزی از نظر آن‌ها، غرق در دیوان‌سالاری و ورشکستگی‌اند.

همه چیز باید متمرکز شود؛ "در دسترس" باشد و مناطق مسؤلیت بودجه خود را بر عهده گیرند. بازار آموزشی و بهداشتی تاسیس کنند تا تعیین قیمت شود و این امور را اداره کنند. سپس زمان آن می‌رسد که بیمارستان‌ها، مدارس یا ادارات پست محلی بسته شوند، زیرا سودآور نیستند. باید با شرکت‌های محلی شریک شد و مجانی بودن بهداشت و آموزش را مورد پرسش قرار داد. همه چیز باید خصوصی شود، وظایف آموزشی و بهداشتی را به وظایف کوچک و مجزا تفکیک کرد تا به افراد یا بخش خصوصی واگذار شوند.

لیبرال‌ها معتقدند، دولت باید فقط به امور اساسی بپردازد. لازم نیست کارمندان دولت، کارهایی مانند نگهبانی، نظافت، آشپزی، فتوکپی و بررسی پرسشنامه‌ها را نیز انجام دهند. داشتن اتومبیل دولتی لازم نیست و لزومی ندارد که دولت پرداخت دستمزد کارمندان یا تهیه مسکن نظامیان را سازماندهی کند یا برای مثال خلبان هلی‌کوپتر آموزش دهد.

پس از بررسی‌های بی‌وقفه و واگذاری این امور به بخش خصوصی، بسیاری از خدماتی که پیش از این در حیطه دولت بود به این ترتیب، بتدریج از حوزه فعالیت دولت خارج شد. نخست وزیر فرانسه ژان پیر رافاران

می‌گوید: "هر بخشی از کار که ممکن باشد، باید سرعت به بخش خصوصی واگذار کرد" وزیر مشاور و مسؤول اصلاحات دولتی اعلام می‌کند: "استراتژی ما، تمرکز دولت برای انجام ماموریت‌های اساسی آن و واگذاری امور دیگر مانند تدارکات به بخش خصوصی است."<sup>۷</sup>

در عراق هم ارتش امریکا بخشی از وظایف مربوط به هدایت جنگ و جمع‌آوری اطلاعات (البته به شکل خشن) را به مناقصه گذاشته بود. وزیر دفاع فرانسه تصمیم دارد اداره مسکن کارمندان ژاندارمری را به بخش خصوصی واگذار کند تا حدود ۵۰۰ میلیون یورو صرفه‌جویی شود.<sup>۸</sup>

آقای فرانسس مر، وقتی وزیر دارایی فرانسه بود از مشاوره شرکت‌هایی مثل مرسر دلتا یا کاب ژمینی استفاده کرد تا به بهترین شیوه، ۳۰ هزار پست کارمندان دولت را حذف کند. کارمندانی که تا امروز اخراج نشده‌اند، در حال حاضر در وضع تعلیق هستند.

در هر زمانی، امتیازات اجتماعی و امنیت شغلی ممکن است از بین برود و قراردادهای موقتی که در ابتدا دولتی و سپس خصوصی می‌شوند جایگزین قرارداد کار دائمی شوند. آقای کریستین بلان، نماینده حزب دست راستی اتحادیه دموکراتیک فرانسه (UDF) اعلام کرده است که باید در فرانسه موقعیت ویژه کارمندان دولت که میراث دوران پس از جنگ دوم است از بین برود. نشریه اکسپانسون می‌نویسد: "موقعیت کنونی برای کاهش شمار کارمندان دولتی بی‌سابقه و تاریخی است و حیف است از کنارش بگذریم." رهنمود نخست‌وزیر رافاران به وزراء هم بسیار روشن است: "فقط مشاغل مربوط به نیمی از کارمندان بازنشسته دولت را جایگزین کنید" به این ترتیب، تا ۲۰۱۲ در مدت ۸ سال، ۳۰۰ هزار پست دولتی حذف می‌شود. سناتور فیلیپ مارینی عضو حزب دست راستی UMP نیز معتقد است با انجام این پیشنهاد ۱۲ میلیارد یورو صرفه‌جویی اقتصادی می‌شود.<sup>۹</sup>

با این منطقی، کارمند دولت برای مالیات‌دهندگان فقط خرج‌تراشی می‌کند، برای مثال پرستاری که آن‌ها را مداوا می‌کند، یا مامور آتش‌نشانی که جان آن‌ها را نجات می‌دهد یا یک معلم که فرزندشان را تربیت می‌کند و یا بازرس اداره کار که در مقابل کارفرما و احجاف‌هایش از حقوق آن‌ها دفاع می‌کند، فقط هزینه به حساب می‌آیند.

در سوئیس برای اینکه "روحیه رقابت داشته باشند و تغییر فرهنگ یابند" اداره کل کارگزینی فدرال که کارمندان دولتی را سازماندهی می‌کند استفاده از "آبزار مخصوص بخش خصوصی" سخن می‌گوید به این ترتیب، تضمین کار برای کارمندان دولت از نوامبر ۲۰۰۰ وجود ندارد. در ایتالیا اتحاد چپ عملکرد مشابهی اتخاذ کرد: خودمختاری در اداره مسؤولیت‌های اداری، فردی کردن وظایف و افزایش کارایی. فقط ۱۵ درصد مشاغل عمومی دولتی است و در مدت دو سال جز، مشاغلی مانند قاضی، وکیل، دادستان، پلیس، دیپلمات و استاد دانشگاه، سایر مشاغل اداری مشمول قراردادهای خصوصی شدند و کارمندان عالی‌رتبه به‌ویژه شامل این تغییرات شدند.<sup>۱۰</sup>

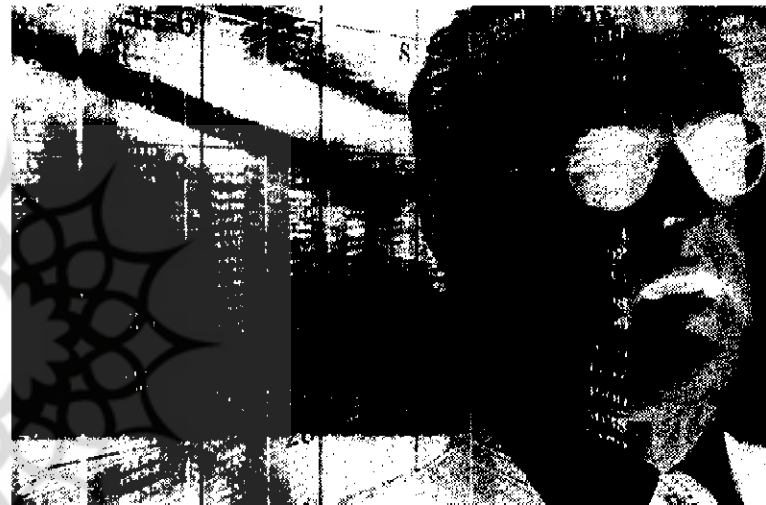
در زلاندنو، تعداد کارمندان دولت از ۷۱ هزار نفر در ۱۹۸۸ به ۳۲ هزار و ۹۰۰ نفر در ۱۹۹۶ کاهش یافت. آن‌ها با امکانات کمتر، بیشتر کار می‌کنند. در حالی که هزینه زندگی آن‌ها بیشتر شده است و امنیت شغلی‌شان نیز کمتر شده است.

دولت چنین تغییر وضع داده و مسخ شده دیگر نمی‌تواند در مقابل گسترش بازار و قانون آن مقاومت کند. دستگاه اداری بی‌وقفه تجزیه می‌شود و جایگاهش را از دست می‌دهد. بی‌آیندگی کار دولتی حتی کارفرمایان را تشویق به یافتن راهکارهای جدید می‌کند. هنگامی که آنتوانی سلیر، رئیس سندیکای کارفرمایان فرانسه قرارداد ماموریتی یعنی قرارداد کاری‌ای که فقط در هنگام ماموریت ویژه معتبر است را مطرح می‌کند، چنین

توضیح می‌دهد: "چرا بخش خصوصی از حقوقی که بخش دولتی دارد بهره‌مند نشود؟ ارتش قراردادهای چهار و شش ساله دارد، جوانان قرارداد موقت دارند و دولت کارمندانی با قرارداد موقت استخدام می‌کند. اما، اجرای این کار در بخش خصوصی با محافظه‌کاری و مخالفت عده‌ای مواجه است."<sup>۱۱</sup>

بیست سال پیش، جناح راست فرانسه و صاحبان ثروت از به اصطلاح "ویرترین دولتی" که با ثبات‌تر و هزینه کمتری داشت، ناخرسند بودند. آلبن شالاندن مدیر سابق شرکت الف (ELF) گفت: "وحشت نداشتن از مجازات مالیاتی، به کارمندان دولت احساس امنیت می‌دهد، کمتر کار می‌کنند و غنی می‌شوند [...] و از طریق سندیکاها قوی امتیازهایی که به موقعیت‌های ممتاز تبدیل می‌شود به دست می‌آورند."<sup>۱۲</sup>

به نظر لیبرال‌ها، خصوصی‌سازی کامل یا بخش‌هایی از امور دولتی موجب تأثیر کمتر و مقاومت سندیکاهایی است که مسیر را برای "اصلاحات" هموار می‌سازد. در فرانسه تعداد مشاغل دولتی بین سال‌های ۱۹۸۵ تا ۲۰۰۰



به نصف کاهش یافت و به ۵/۳ درصد کل مشاغل رسید.<sup>۱۳</sup> در اینجا نیز سمت‌گیری عمومی مانند دیگر زمینه‌ها است.

مطالبات اجتماعی معمولاً در کارخانجات دولتی بیشتر است اما، تعداد اعضای سندیکاها بیشتر است. اعتصابات بزرگ تاریخ معاصر گویای این واقعیت است (زغال سنگ ۱۹۳۶، کارخانه رنو ۱۹۶۸، راه‌آهن شهری و مترو SNCF و RATP ۱۹۹۵).

هنگامی که پاییز گذشته مجلس فرانسه تصویب کرد که سهم بیشتر سرمایه شرکت مخابرات فرانسه به بخش خصوصی واگذار شود، دینودوشور نماینده حزب UDF و عضو کمیسیون عالی خدمات دولتی پست و مخابرات گفت: "مطابق متن مصوبه، نهادهای نمایندگی کارمندان باید روال عادی داشته باشند." به عبارت دیگر، نماینده سندیکاها عضو شورای مدیریت شرکت مخابرات نخواهند بود.<sup>۱۴</sup>

بیش از نیمی از ۱۱۰ هزار کارمند شرکت برق و گاز فرانسه عضو سندیکاها هستند. در ایالات متحد ۱۲/۹ درصد کارمندان دولتی در سندیکاهای AFL-CIO عضوند، در حالی که این رقم در بخش خصوصی به ۸/۲ درصد کاهش می‌یابد.

## ماشین تبلیغاتی

براساس تئوری لیبرالی، ضعف سازمان‌های کاری "نرمش در کار" را

بیشتر می‌کند و موجب کاهش تأثیر سندیکاها می‌شود. حتی ناامیدی و یاس را هم می‌توان برنامه‌ریزی کرد. فردریش هایک در ۱۹۴۴ گفت: "اگر می‌خواهیم امیدوی به بازگشت اقتصاد آزاد داشته باشیم، باید کاهش نفوذ سندیکاها را با اهمیت تلقی کنیم."<sup>۱۵</sup>

یک شرکت خصوصی مسئول نظافت است، شرکت دیگر مسئول کامپیوترهاست و سومی به امور مخابرات شرکت می‌رسد، با افزایش تعداد کارفرماها و قراردادهای گوناگون در یک شرکت واحد، همبستگی افراد و مشاغل از بین می‌رود. شیوه پاداش براساس لیاقت، یعنی فردی کردن درآمد، گسترش و عمومیت می‌یابد. هر آنچه خصوصی شود، خصوصی می‌ماند و هر چه هنوز دولتی است در حال خصوصی شدن است و در نوبت قرار دارد. کارزار رسانه‌ای - سیاسی برای وحشت‌آفرینی درباره "مخارج بیمه‌های اجتماعی" یا "ورشکستگی کارخانجات ملی شده" بتدریج منطق انتفاعی، بخش دولتی را فراگرفته است؛ در حالی که وظیفه اصلی دولت تأمین نیازهای مردم است.<sup>۱۶</sup>

بازرسی، سازماندهی، واگذاری و سپردن بخشی از وظایف اینها کلمات متداول امروز است. باید توجه داشت که شرکت‌های خصوصی که بخش‌هایی از کار دولتی را با مناقصه بعهد می‌گیرند، به دلیل فشار بر کارمندانشان در رقابت شانس بیشتری دارند؛ کارمندان آن‌ها، امنیت شغلی کمتری نسبت به "ممتازان" دولتی دارند و علاوه بر این عضو سندیکا نیز نیستند.

در پایان، هنگامی که شرکت‌ها و ادارات دولتی بخش ویژه خود یعنی وظایف و کارمندانشان را از دست دادند و هدف اصلی آنان سودآوری شد، نابودی کامل آن‌ها حتمی می‌شود. اگر امروز، اسامی کاملاً فرانسوی مانند ایرفرانس یا گاز و برق فرانسه (EDF) یا مخابرات فرانسه Telecom France برای شرکت‌هایی که سرمایه خارجی دارند مزاحم محسوب می‌شود، به راحتی می‌توان این اسامی را، که مانند نشانه‌های جوانی از دست رفته است، از بین برد.

در گذشته پست، برق، آموزش و پرورش، بهداشت واحدهای تولیدی سودآوری در رقابت نبودند و دستگاه اداری دولتی وظیفه نامه‌رسانی، برق‌دهی، تضمین آموزش و بهداشت جامعه را به عهده داشت بدون اینکه وظایف حاشیه‌ای و غیر سودآور را حذف کند. بازار محدودی را در درون اقتصادی مختلط اشغال می‌کرد و همه می‌دانستند بازار قادر به انجام همه کار نیست. برای مثال، برخورداری همگانی و یکسان از آموزش و بهداشت و یا سازماندهی منطقه‌ای در حیطه کار بازار نیست. بنا نبود بازار مالی و سرمایه وارد فعالیت‌های حیاتی شود که امید سودآوری در افق محدودشان نمی‌گنجد. علاوه بر این، کل هزینه‌های ناشی از جهت‌گیری‌هایی که منتهی به افزایش سودآوری کارخانه می‌شود را نمی‌توان با مردم حساب کرد. برای مثال اگر در قیمت حمل و نقل زمینی با کامیون، مخاطره تصادف یا خطر آلودگی هوا را محاسبه کنیم، هزینه این حمل و نقل از راه‌آهن کمتر نیست و بدهی ۴۲۹ میلیون یورپی راه‌آهن کمتر است. اگر راه‌آهن با جاده و کامیون در رقابت باشد، به نفع جامعه است که راه‌آهن حمایت شود. زیرا، کامیون‌ها دودزا و مخرب اتمسفر هستند و حتی به گونه‌ای در ایجاد گرمای جانفرسای سال گذشته در فرانسه و مرگ قربانیان آن مقصرند.<sup>۱۷</sup>

جامعه کلمه‌ای است که مورد پسند تاجر نبود. لیبرال‌ها ترجیح می‌دهند افراد را فردی در نظر بگیرند نظر آن‌ها در مورد مالکیت دولتی نیز همین‌طور است. وقتی همه مالک چیزی باشند هیچ کس مالکش نیست و هیچ کس هم از نگاه‌داری و بهبودبخشیدن به آن نفع نمی‌برد. این موضوع را میلتون فریدمن در ۱۹۹۰ گفت و ادامه داد: "به همین دلیل ساختمان‌های مسکونی

شوروی و خانه‌های سازمانی با اجاره کم در امریکا بعد از یکی دو سال ویران می‌شوند.<sup>۱۸</sup> البته اگر فریدمن پس از خصوصی‌سازی راه آهن انگلستان سفری با قطار در این کشور می‌کرد عقیده‌اش تغییر می‌کرد هر چند ممکن بود لیبرالیسم یکی از اندیشمندان برجسته‌اش را در تصادف قطار از دست بدهد. آلن مانک نظریه‌پرداز سرمایه‌داری فرانسه ۲۰ سال پیش گفت: سیستم‌های دولتی به دلیل ورشکستگی مالی و کمبود ذخایر نابود می‌شوند.<sup>۱۹</sup> این نظر و راهکاری که او ارائه داد جدید نبود و بدون اینکه راست بگوید از مدل ایالات متحد آن‌ها الهام گرفته بود زیرا در ایالات متحده ریگان مالیات‌های مستقیم را کاهش داد تا موجب ورشکستگی دولت شود و سپس با این بهانه دولت اجتماعی را نابود کرد. به موازات این ترفند با نام «قدرالیسم نو» مناطق را خودگردان کرد و خدمات اداری و دولتی را بدون امکانات به آنها واگذار کرد و به این ترتیب همه امور به خودشان سپرده شد. بوش و رافاران نیز پدیده جدیدی ابداع نکردند لیبرال‌ها فقط صدایشان را بلند کرده‌اند و به روند شتاب بخشیده‌اند. بوق و کرنای تبلیغاتی آن‌ها (رسانه‌ها و کارشناسان) با ایحاد صدا و همه‌همه، همه امور را به جلو می‌برند. تحصیلات عالی رایگان نیز به دلیل کمبود امکانات دولتی به اجبار از دالان اصلاحات می‌گذرد. در انگلستان هزینه دولتی سالانه برای هر دانشجو از ۸۰۰۰ لیبور (۱۲ هزار یورو) در ۱۹۹۰ به ۵ هزار لیبور در ۲۰۰۰ رسید. ۲۰ بلر ترجیح می‌دهد مردم پول پردازنده شهریه دانشگاه سه برابر شده است و ۳ هزار لیبور (۴۵۰۰ یورو) در سال است. [سازمان همیاری و توسعه اقتصادی OCDE با افتخار اعلام می‌کند در همه دنیا تحصیلات عالی در حال دگرگونی است در این شرایط با توجه به محیط بغرنج پیرامون دیگر صلاح نیست که بخش دولتی به طور مستقیم در این شرایط مسؤلیت بپذیرد. سازوکارهای بازار مؤثرتر از مدیریت اداری می‌توانند عرضه و تقاضا را در مراحل مختلف آموزش تأمین کنند. و با خواسته‌های مشتریان متفاوت هماهنگ سازند.]<sup>۲۱</sup>

البته برای تحقق این مطلب راهکار دیگری هم می‌توان به کار برد چنانچه دولت‌های متوالی ژوسپین و رافاران مالیات بر درآمد را کاهش نداده بودند. فرانسه می‌توانست بودجه آموزش عالی را دو برابر افزایش دهد.<sup>۲۲</sup> این مخمصه لیبرالیزه کردن محصول توالی گزینه‌های سیاسی است و نه حاصل شرایط اجتناب‌ناپذیر. درباره تصمیمات مهم به طور معمول همه‌پرسی نمی‌شود. بیشتر خصوصی‌سازی‌های بزرگ انگلستان با مخالفت اکثر مردم مواجه بوده است. ۷۹ درصد مردم زلاندنو با فروش جنگل‌ها و مراتع کشور مخالفت کردند و فقط چهار درصد موافق بودند. برنامه فوق لیبرالی آلن مدلن نماینده جناح راست لیبرال فرانسه که در زمان انتخابات ریاست جمهوری فرانسه در ۲۰۰۲ اعلام شد. فقط ۳/۹ درصد آراء موافق مردم را کرد. اما در انگلستان اکثر صنایع و خدمات عمومی مانند جنگل‌ها و مراتع زلاندنو خصوصی شد و زمانی که دوره دوم ریاست جمهوری شیراک پایان یابد این برنامه مدلن است که به بهترین شکل اجرا شده است و نه وعده‌های سیاسی، ضد «تأمینی» و یا مقابله با شکاف اجتماعی.<sup>۲۳</sup>

اگر کشورهای اروپایی، طرح اعلام شده قانون اساسی اروپا را تصویب کنند مطابق طرح هدف اتحادیه اروپا چنین است:

«برای شهروندان، بازار واحدی تأسیس کند که در آن رقابت کاملاً آزاد باشد» سپس با تصویب معاهده عمومی تجارت و خدمات (AGCS) لیبرالیزه کردن بهداشت، آموزش و پرورش و فرهنگ موضوع بعد خواهد بود. در آن شرایط در انتخابات آقای X می‌تواند به راحتی جایگزین آقای Y باشد همه شواهد گواه آن است که از سوی کمیسریای عمومی اروپا در این طرح تغییری ایجاد نخواهد شد. عضو اصلی این کمیسریا آلن ایشگوبین به عنوان

مشاور علمی‌اش معاون ارشد استراتژیک شرکت من پاور را برگزیده است. در اطلاعیه سوم مه ۲۰۰۴ این کمیسریا تأکید می‌شود انتصاب یک مدیر شرکت برای این سمت برای اجرای طرح مفید است زیرا نظر ما را نسبت به بازار کار و شغل که محورهای مهم کار نخست وزیر است را گسترش می‌دهد و به آن رونق می‌بخشد شرکت من پاور از بزرگترین شرکت‌های کار نیمه وقت و موقت جهان است شیوه‌ای که مشاور علمی جدید در ارتباط با اموال عمومی اعمال می‌کند از پیش در ارتباط با نظر او نسبت به بازار کار مشخص است.

#### پی‌نوشت‌ها:

۱. پایامونته و نروما کوهن، فاینانشال تایمز، اول آوریل ۲۰۰۴.
۲. برتراند بوندا، فاینانشال تایمز، ۶ آوریل ۲۰۰۴.
۳. اخبار تلویزیون، کانال ۱ فرانسه TF۱ ساعت هشت شب ۲ مه ۲۰۰۴.
۴. نشریه کورسپوندانس اکونومیک، ۱۴ آوریل ۲۰۰۴.
۵. در انگلستان «مشتریانی» که در جست‌وجوی کار هستند باید هر هفته به یک «مشاور» در مورد اینکه چگونه در جست‌وجوی کار هستند توضیح دهند. «آگر یک بیکار انگلیسی شغلی را که در ارتباط با کارش باشد نپذیرد فوری از حق بیکاری محروم می‌شود.» این مطلب را مدیر مرکز کاربایی اعلام کرد. همین روش در دانمارک نیز اعمال می‌شود.
۶. ارنست آنتوان سلیر، رادیو فرانس دو، ۲۲ ژانویه ۱۹۹۸.
۷. «چه عاقبتی انتظار کارمندان دولت را می‌کشد.» نشریه اکسپانسیون، آوریل ۲۰۰۴.
۸. فیگارو، ۸ مه ۲۰۰۴.
۹. اکسپانسیون، آوریل ۲۰۰۴.
۱۰. سیسل کورنوده مقاله «اصلاحات دولتی: دستورات خارجی» نشریه لزه کو، ۲۴ سپتامبر ۲۰۰۳.
۱۱. مصاحبه با ارنست آنتوان سلیر: بالاخره جامعه برای اصلاحات آماده است، نشریه لزه کو، ۲۱ ژانویه ۲۰۰۴.
۱۲. آلبن شلاندون، «خصوصی‌سازی چرا؟» لوموند، ۱۱ ژوئیه ۱۹۸۴.
۱۳. نشریه لزه کو، ۲۱ نوامبر ۲۰۰۰.
۱۴. فیگارو، ۲۰ اکتبر ۲۰۰۳.
۱۵. کتاب «جهش به عقب» فایرارد پاریس، سرژ حلیمی، ۲۰۰۴.
۱۶. لوموند دیپلماتیک، ژیل بالباستر «در اداره پست همه کارمندان باید مثل بازار فکر کنند»، اکتبر ۲۰۰۲.
۱۷. سرژ لاتوش، «نزدیکتر و کندتر»، نشریه دکراسانس، شماره ۲۱، مه ۲۰۰۴.
۱۸. میلتن و روزفریدمن، آزادی انتخاب، درهار کور، ارلانندن (فلوریدا)، ۱۹۹۰، ص ۲۴. همین استدلال‌ها بعضی لیبرال‌ها مانند پاسکال سالیان در فرانسه، خصوصی‌سازی گله‌فیل‌های آفریقا را پیشنهاد کردند تا از شکارچیان در امان باشند)
۱۹. اکسپانسیون، ۲ نوامبر ۱۹۸۴.
۲۰. اکونومیست، ۲۹ نوامبر ۲۰۰۳.
۲۱. سازمان همیاری و توسعه اقتصادی، تحلیلی سیاسی، سیاست آموزشی، ص ۶۶، ۲۰۰۳.
۲۲. آلترناتیو اقتصادی، ژانویه ۲۰۰۴، «فقر دانشگاه‌ها».
۲۳. موضوع «تأمینی» و «برخورد با شکاف اجتماعی» شعارهای انتخاباتی شیراک بود که بیشتر برای جلب افکار عمومی و منحرف کردن آن برای بی‌توجهی به مسایل مهم‌تر اجتماعی مطرح می‌شد.